

سرقت علمی شگفت

نقد و بررسی کتاب

مهدی فیروزیان

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



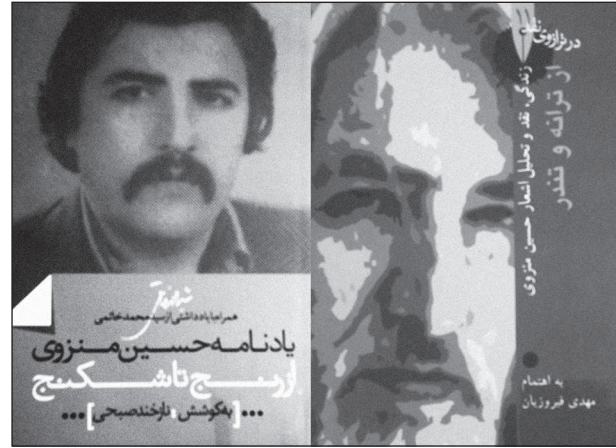
«از رنج تا شکنج: یادنامه حسین منزوی»، گردآورده نازخند صبحی (تهران: ترفند، ۱۳۹۴) نمونه تمام عیار «دزدی در روز روشن» است که گردآورنده آن بخش‌های گوناگون بسیاری از کتاب «از ترانه و تندرن: زندگی، نقد و تحلیل اشعار حسین منزوی»، تألیف و گردآوری نگارنده (تهران: سخن، ۱۳۹۰) را بی آنکه به مأخذ اشاره کند به غارت برده است. از آن بدتر اینکه در بخش‌هایی، نوشته‌های من و نویسندگان دیگر کتاب را به نام خود (نازخند صبحی) و در کمال شگفتی گاه به نام نویسندگان دیگر منتشر کرده است.

صبحی می‌نویسد: «این کتاب حاوی مقالات و شعرهایی است که عموماً به وسیله نامدارترین شاعران و نویسندگان و ادیبان کشور و صرفاً برای چاپ در این یادنامه تحریر یافته است» (ص ۱۶). این ادعا کذب محض و کار ایشان سرقت علمی است. گذشته از بازچاپ مقدمه‌های کتاب‌های گوناگون شعرمنزوی و مقالاتی که از کتاب از ترانه و تندرن به سرقت رفته، بیشتر مقالات برگرفته از مجلات و کتاب‌هایی هستند که گردآورنده گاه از آن‌ها نام برده و گاه نه.

۱. بازچاپ بی ذکر مأخذ مقالات از ترانه و تندرن: صبحی مقالاتی را که نویسندگان برای چاپ در از ترانه و تندرن نوشته‌اند، بدون هیچ اشاره‌ای به مأخذ مقالات و با تغییر دادن نام برخی و اغلاط تایپی فراوان، با تلخیص و حذف ارجاعات چاپ کرده است. نوشته‌های هم‌موسس

چکیده: کتاب «از رنج تا شکنج: یادنامه حسین منزوی» کتابی است که به گردآوری نازخند صبحی توسط انتشارات ترفند در سال ۱۳۹۴ به زور طبع آراسته شده است. نویسنده در نوشتار حاضر، کتاب مذکور را مورد نقد قرار داده و با ارائه شاهد مثال‌هایی از متن کتاب، اظهار می‌دارد که خانم صبحی به سرقت علمی از کتاب خودش تحت عنوان «از ترانه و تندرن: زندگی، نقد و تحلیل اشعار حسین منزوی» اقدام نموده است.

کلیدواژه: سرقت علمی، مهدی فیروزیان، نازخند صبحی، کتاب «از رنج تا شکنج: یادنامه حسین منزوی»، کتاب «از ترانه و تندرن: زندگی، نقد و تحلیل اشعار حسین منزوی»، نقد کتاب، حسین منزوی.



پورناظری، بهمن زدوار، علی اصغر حمیدفر، بهروز رضوی، رشید کاکاوند، سیامک بهرام‌پور، سیروس شمیسا، غلام‌حسین عمرانی، عزت‌الله فولادوند و امیرآزاده‌دل از این دست است. شگفتا که نوشتهٔ مریم جعفری آذرمانی (از ترانه و تندر، ص ۳۸۷) را به نام سمیه سلیمانی (از نویسندگان کتاب از ترانه و تندر) چاپ کرده است (از رنج تاشکنج، ص ۱۷۸-۱۷۹).

۲. سرقت از نویسندگان از ترانه و تندر: نازخند صبحی مقالهٔ «ماه بلند عشق» نوشتهٔ پیمان قدیمی (از ترانه و تندر ص ۳۹۸-۴۰۸) را دزدیده و به نام خود چاپ کرده است (از رنج تاشکنج، ص ۲۱۴-۲۲۰). پس از این مقاله‌ای با نام «زن در شعر منزوی» (همان، ص ۲۲۱-۲۲۵) را دزدیده که خلاصه‌شدهٔ مقالهٔ عزت‌الله فولادوند (نک: از ترانه و تندر، ص ۲۰۲-۲۱۱) است.

او گفتگویی میان خود و منزوی جعل کرده و در آن بخشی از گفته‌های منزوی در گفتگوبا سایر محمدی (نک: از رنج تاشکنج، ص ۲۴- از ترانه و تندر، ص ۶۴) را در قالب گفتگویی با خود آورده و دنبالهٔ گفتگوی تخیلی او، عیناً سخنان بهمن زدوار در کتاب از ترانه و تندر (ص ۴۹۲) است که صبحی تنها ضمیر سوم شخص را در آن به اول شخص بدل ساخته است. سپس دست غارت بر نوشته‌های مرتضی کاخی (همان، ص ۹۲) و رشید کاکاوند (همان، ۲۴۸) می‌گشاید. داستان شأن نزول یک غزل منزوی (از رنج تاشکنج، ص ۱۹) برگرفته از نوشتهٔ بهروز رضوی (از ترانه و تندر، ص ۵۱۵) و مقدمهٔ فصل ششم کتاب (از رنج تاشکنج، ص ۱۸۵-۱۸۶) هم سرقت از گفته‌های بهمن زدوار (از ترانه و تندر، ص ۵۰۶) است.

۳. سرقت پراکنده از مقالات نگارنده: صبحی بخش‌هایی از نوشته‌های مرا به نام خود رونویسی کرده است. برای نمونه شأن نزول غزلی را که منزوی برای طلاق همسرش سروده به گونه‌ای آورده که گویی خود آنها را از زبان منزوی شنیده و با خواندن این جملهٔ من: «سال‌ها پس از جدایی بود که توانست خود را به چاپ این غزل راضی کند» (همان، ص ۴۳) به این فکر افتاده که خود را هم‌راز خلوت منزوی بشناساند:

«منزوی می‌گفت: صبحی! دلم نمی‌آید که این غزل را برای چاپ به ناشری بسپارم» (از رنج تاشکنج، ص ۲۱). این جمله: «زبان شعر منزوی سرشار از احساس است و در واگویهٔ دل‌تنگی‌های او تواناست» (همان جا) حتی در لفظ برگرفته است از: «آشکار شد که زبان سرشار از احساس شعر منزوی تا چه اندازه در واگویهٔ دل‌تنگی‌ها و رنج‌های زندگی او تواناست» (از ترانه و تندر، ص ۴۴).

۴. انتشار نوشته‌های نگارنده با نام دیگران: از کارهای باورنکردنی و شگفت‌انگیز صبحی این است که برخی نوشته‌های مرا به نام دیگران منتشر کرده است. از این جمله است بخش‌هایی از مقالهٔ «منزوی و ترانه‌سرایی» که آن را به نام محمد سریر چاپ کرده است (از ترانه و تندر، ص ۴۲۷-۴۲۸- عیناً در: از رنج تاشکنج، ص ۱۳۵). همچنین نوشته‌ای از من (از ترانه و تندر، ص ۲۴-۲۵) در انتقاد از محمدرضا روزبه را با نام خود روزبه چاپ کرده است (از رنج تاشکنج، ص ۱۹۸-۲۰۰). دنبالهٔ متن را نیز از نوشتهٔ دیگر من (از ترانه و تندر، ص ۴۳۲) به سرقت برده است. آنچه در مقالهٔ «مضامین در شعر منزوی» (از رنج تاشکنج، ص ۲۲۶-۲۳۰) به نام دکتر طلایه رویایی چاپ شده، جز چند سطر نخست نوشتهٔ مریم جعفری آذرمانی (از ترانه و تندر، ص ۳۸۵)، نوشتهٔ من است (نک: همان، ص ۱۰۶-۱۰۸، ۱۱۹، ۱۲۶-۱۲۸). بخشی از مقاله‌ای که به نام شیون فومنی آمده (از رنج تاشکنج، ص ۳۳۳-۳۳۴) نیز از من است (نک: از ترانه و تندر، ص ۲۹-۳۰).

۵. موارد نهفته‌تر: بیشتر مقاله‌های کتاب از ترانه و تندر به سفارش نگارنده نوشته شده‌اند، اما چند مقاله هم هست که با ذکر مأخذ بازچاپ شده‌اند. صبحی حتی این مقالات را نیز از کتاب من برداشته و در این کار هم چنان بی‌دقت و بی‌کفایت بوده که نتوانسته آثار جرم را بزداید. برای نمونه مقالهٔ «منزوی سبزیفی غزل به دوش» محمدعلی بهمنی را با مأخذ دیگری آورده: «ندای هرمزگان، ۷۴/۲/۲۴» و شگفتا که ندانسته این نوشته پس از مرگ منزوی نوشته شده است (نه سال ۷۴). هرچند منبع اصلی مقاله روزنامهٔ اعتماد ملی (۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵) است، اما صبحی این مقاله را از کتاب من برداشته و گواه دآوری من این است که اوزیرنویس‌های من را (از ترانه و تندر، ص ۴۷۹) وارد متن بهمنی کرده است (از رنج تاشکنج، ص ۱۴۳). دو مقالهٔ «پیداه‌روهای قدیمی» عمران صلاحی و «شعر بلند حسین منزوی» سیدعلی موسوی گرمارودی هم چنین وضعیتی دارند.

یک نمونهٔ عجیب دیگر هم مقالهٔ «شعر سیاسی در کلام منزوی» (از رنج تاشکنج، ص ۲۱۰-۲۱۳) است که آن را به نام ضیاء موحد آورده در حالی که نوشتهٔ عزت‌الله فولادوند در کتاب از ترانه و تندر (ص ۲۱۳-۲۱۷) است.